

بدون موافق!

فائزه حسینی

گذشته از آن که ضرورت طرح چنین مباحثی در فضایی که از سوی مقام رهبری بر وحدت تأکید شده است، چه بوده و آیا مغایر با وحدت قوادر کشور هست یا خیر، و به گفته علی مطهری نماینده اصولگرای مجلس، شاید یک پروژه است و شاید یک اظهار نظر اتفاقی بوده است. این سخنان موجب واکنش های بسیاری در بین نمایندگان و حقوقدانان شد و برخی از زبانی ها به مغایرت این گونه سخنان با مواضع و سخنان مقام رهبری در باب وحدت و تعامل بین قوای سه گانه اشاره داشت و برخی دیگر آن را در تعارض با روح قانون اساسی می دانند.

چندی پیش از این سه مصوبه مجلس، به اختلاف بین دولت با مجلس تبدیل شد و احمدی نژاد به صراحت در برابر اعضای کمیسیون اصل ۹۰ مجلس اعلام کرد که این قوانین از نظر او ابلاغ شدنی نیست و بر اساس قوانین بالادستی و شرایط توافق شده در موضوعات اجرایی، امکان ابلاغ این دو قانون نبوده و به گمان او مجلس هم به این نتیجه رسیده که اشتباه کرده است. در اینجا احمدی نژاد برای آن که اعتراض های مجلسیان را به سکوت تبدیل کند به ۱۳۰ مصوبه خلاف شرع و قانون اساسی از سوی مجلس اشاره کرد که مجلس باید پاسخگوی آن باشد. سپس از این فراتر رفته و در مورد مجمع تشخیص مصلحت چنین می گوید که «این راه ناصواب و نامناسبی است که مجلس بگیرد ما قانون خلاف شرع و قانون اساسی تصویب می کنیم و مجمع تشخیص مصلحت نظام تکلیف آن را روشن می کند و می افزاید مگر مجمع تشخیص مصلحت نظام مافوق شرع و قانون اساسی است. این در حالی بود که

زمان امام، قوه مجریه که به ریاست نخست وزیر اداره می شد نخست وزیر توسط رئیس جمهور به مجلس پیشنهاد می گردید و با رأی اعتماد مجلس به ریاست دولت انتخاب می شد. با توجه به این که رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم انتخاب می شد و نمایندگان مجلس نیز با رأی مستقیم مردم انتخاب می شدند، نخست وزیر توسط دو نهاد مهم که هر دو مستقیماً منبث از آرای مردم بودند به ریاست دولت برگزیده می شد و به همین جهت از جایگاهی قوی تر از رئیس جمهور پس از تجدید نظر در قانون اساسی که تنها از یک جهت دارای پشتوانه مستقیم رأی مردم است برخوردار بود. احمدی نژاد در گفت و گو با روزنامه ایران، ۲۸ شهریور ۱۳۸۹، در رابطه با تفکیک قوا این گونه بیان کرده که سه قوه یکی هستند، تفکیک قوایی که از غرب آمده در نظام اسلامی اصالت ندارد. وی تفکیک قوا را در حد تقسیم کار توصیف کرد و این که خود کار هم یک موضوع بیشتر نیست و آن ساختن ایران و اجرای عدالت است. وی در این گفت و گو از تصویب قوانینی می گوید که از اساس آنها را قبول ندارد، اما باید آنها را اجرا کند و می افزاید قانون را باید اجرا کرد مسئولیتش هم به عهده کسی است که تصویب کرده است.

امام (ره) دیکتاتوری زمان شاه و زمان قاجار را لمس کرده بود و برای تکرار نشدن این دیکتاتوری نهادهایی را در کشور تأسیس کرد

دکتر احمدی نژاد در آستانه سفر به نیویورک و در حالی که همه حواس رسانه های غربی را به خود جلب می کرد، ناگهان در گفت و گوی خود، تفسیری از جایگاه مجلس ارائه کرد که تا مدتی رسانه های داخلی کشور به آن پرداختند. این گفت و گو واکنش های بسیاری را در بین نمایندگان مجلس که در تعطیلات تابستانی به سر می بردند، برانگیخت: محمود احمدی نژاد در گفت و گو با روزنامه ایران (۲۷ شهریور ۱۳۸۹) در پاسخ به پرسشی درباره رابطه قوا چنین اظهار نظر کرد که «بعضی ها استقلال قوا را فقط برای قوه مقننه و قوه قضاییه می خواهند. اتفاقاً قوه مجریه، قوه اول کشور است. سپس دکتر احمدی نژاد جمله معروف امام خمینی (ره) درباره این که مجلس در رأس امور است را چنین تفسیر کرد: «بعضی ها یک جمله حضرت امام (ره) را متعلق به زمانی که نظام ما پارلمانی بوده برجسته می کنند، آن زمان رئیس جمهور مسئول اداره کشور نبوده، بلکه نخست وزیر مسئول اداره کشور بوده که از طریق مجلس انتخاب می شده است و افزود: «آن موقع مجلس بالاترین بود. اکنون در قانون اساسی قوه مجریه بار اصلی اداره کشور را بر دوش دارد و قوای دیگر باید کمکش کنند.» دکتر احمدی نژاد در ادامه گفته است: «ضمن این که در قوه مجریه جایگاهی است به نام ریاست جمهوری، رئیس جمهوری علاوه بر این که رئیس جمهور هست، رئیس دولت هم هست و گفت: «رئیس جمهور بعد از رهبری بالاترین مقام کشور است، مجری قانون اساسی هم هست. این دیگر به استقلال قوای ربطی ندارد. احمدی نژاد در بخشی دیگر از این گفت و گو گفته است: در

سخنگوی شورای نگهبان سه مصوبه محل ایراد احمدی نژاد را قانونی و لازم الاجرا دانسته بود. آیت الله جنتی در پاسخ به نامه احمدی نژاد در این رابطه تأکید کرد که مقام ها و نهادها وظیفه ای جز اجرای قانون و رعایت آن ندارند. آیت الله جنتی که همیشه از رئیس جمهور حمایت کرده این بار بالحن گلابه آمیزی به رئیس دولت، اصل ۱۱۳ قانون اساسی را یاد آور شد که معنای آن این نیست که رئیس جمهور بتواند در جزئیات وظیفه و اختیارات مسئولان مختلف دخالت کند.



علی لاریجانی نیز در پاسخ به رئیس جمهور نسبت به ارجاع مصوبه های خلاف شرع و قانون به مجمع تشخیص مصلحت نظام، بررسی مصوبات را در متن جایگاه مجمع تشخیص اعلام کرد که جای چون و چرا ندارد و در مورد تعیین وظایف مجلس، اصل تفکیک قوا رايه وی یاد آور شد که تمرکز قدرت در یک قوه فساد آور است و افزود نمایندگان مجلس در انجام وظایف خود اهل مجامله و سهل انگاری نیستند و افزود: تصور نشود برخی مطالب غیررسمی می تواند حوزه کاری مجلس را محدود کند. وی همچنین آمار ۱۳۰ مصوبه مجلس را با این طنز که بعد است کل مصوبات مجلس هشتم ۱۳۰ عدد باشد رد کرد و آنها را حدود ۱۰ تا ۱۵ مصوبه اعلام کرد و هشدار داد که موارد تخلف دولت از قوانین موجود است و اگر اصرار شود موارد تخلف دولت از قانون انکار شود آنها را به اطلاع مردم می رسانیم. لاریجانی درباره انتقادات دولت از مجلس تصریح کرد که برخی از این مناقشه ها اصالت

ندارد و ذهن ها را از مسئله اصلی منحرف می کند. وی گفت وظیفه شورای نگهبان است که وقتی مصوبه ای خلاف قانون اساسی باشد نظر بدهد. رئیس مجلس با این بیان که مجلس نه به کسی امر کرده و نه از جایی امربری دارد در رابطه با انتقاد دولت به تغییرات لوایح گفت این ادعا اصالت ندارد و این گونه اظهارات را بادهای موسمی دانست که مسیر درست را به ما نشان نمی دهد. وی ضمن تأکید بر این که تغییر لوایح حق مجلس است گفت اگر لوایح را نگاه کنید تأثیرات مجلس تکمیلی است و به تعامل سازنده و تکمیلی با دولت اشاره کرد. احمدی نژاد گفته بود مجلس نباید انتظار امربری دولت را داشته باشد.

مشروح این نوع اظهار نظرها به عدم ابلاغ مصوبه قانونی مجلس درباره مترو برمی گردد که رئیس جمهور آن را اجرایی ندانست و سخنان معاون پارلمانی وی در این رابطه موجب مناقشه بین دولت و مجلس شد. میر تاج الدینی گفته بود، مجمع تشخیص مصلحت نهادی برای شرایط اضطراری است و این که مجمع در امور جاری دخالت کند در حوزه وظایف این نهاد نیست و این کافی بود تا کواکبیان، عضو فراکسیون

مجلس ششم در استفسار پاره ای که انجام داد نظارت بر ارگان های زیر نظر مقام رهبری مانند صدا و سیما و بنیاد مستضعفان امکان پذیر شد و همچنین نظارت مجلس بر عملکرد قوه قضاییه به تحقیق و تفحص از آن انجامید

اقلیت، در تذکر خود در جلسه علنی چنین بگوید که برخی در دولت گفته اند قانون مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام را قانون نمی دانند و خواهان اعلام موضع مجلس در این رابطه شد. ابوترابی به اصل ۱۱۲ قانون اساسی اشاره کرد که به موجب آن مصوبات مجمع تشخیص مصلحت قانون است.

تخلف دیگر دولت در مورد تشکیل سازمان ملی مهارت و ادغام دانشگاه های فنی - حرفه ای

و مراکز تربیت معلم در این سازمان است، در حالی که مجلس بر پذیرش دانشجو در مراکز تربیت معلم و اجرای قانون اصرار دارد. دولت می گوید این اقدامی در راستای اصلاح رویه است و نیازمند قانون جدیدی نیست، در حالی که مجلس خلاف این نظر را دارد، زیرا اهمیت این ادغام کمتر از مسئله حذف کنکور نیست و همان گونه که برای حذف کنکور دولت لایحه به مجلس فرستاد، در این مورد هم این روند باید طی شود. گفتنی است سازمان ملی مهارت در تعطیلات تابستانی مجلس شکل گرفته، زیرا نمایندگان پیش از تعطیلات، با ادغام سازمان فنی و حرفه ای وابسته به وزارت کار، دانشگاه های علمی و کاربردی وابسته به وزارت علوم و دانشکده های فنی و حرفه ای در این سازمان، مخالفت کرده بودند. همین کافی بود که موضوع تخلف در این مورد طی نامه ای از سوی رئیس مجلس به قوه قضاییه ابلاغ گردد و مجلس خواهان پیگیری قضایی تخلف در پذیرش دانشجوی فنی و حرفه ای در مراکز تربیت معلم شد. همچنین مجلس طی نامه ای به وزرای علوم و آموزش و پرورش خواهان اجرای قانون در این مورد شد، به طوری که وزیر آموزش و پرورش با این پرسش قضایی رویه رو گردید که با چه مجوزی، اختیار و امسال وزارت تحت امر خود رایه وزارت علوم منتقل کرده است. به این ترتیب مجلس با اعمال نظارت خود، تصمیم دولت را تخلف تلقی کرده و با این شکوائیه خواهان حل و فصل موضوع از طریق قضایی شده است.

علی لاریجانی در جمع مردم اصفهان اظهارات محمود احمدی نژاد را مورد انتقاد قرار داد و گفت فرموده امام خمینی (ره) مبنی بر این که مجلس در رأس امور است به این دلیل بود که دیکتاتوری در کشور ایجاد نشود و افزود: امام (ره) دیکتاتوری زمان شاه و زمان قاجار را لمس کرده بود و برای تکرار نشدن این دیکتاتوری نهادهایی را در کشور تأسیس کرد و در ادامه گفت برخی عنوان کرده اند مجلس در رأس امور نیست و این مربوط به زمانی است که ریاست جمهوری شرایط امروز را نداشته و بر پایه نظام پارلمانی بوده است، در حالی که این حرف درست نیست، اگر نظامی پارلمانی باشد رئیس جمهور باید توسط پارلمان انتخاب شود، در حالی که در کشور ما قوه مقننه و قوه مجریه دو

قوه مجزاهستند. وی اشاره به سخنان امام کرد و گفت یعنی قوه مقننه دارای قدرت مهمی است و مردم نمایندگان را معرفی می کنند تا مبادا دولت به حقوق مردم تعدی کند و سپس به سخنان مقام رهبری پرداخت که قوه مقننه ریل گذار قوه مجریه است، وی افزود گاهی تصور می شود که اگر قوانینی در مجلس تصویب شود دست و پای دولت بسته می شود، درحالی که نمایندگان به دنبال پرورش قوه مجریه و برداشتن موانع هستند و همیشه قید گذاشتن به معنای نقض نیست. رئیس مجلس در مراسم دیگری تأکید کرد که هیچ کس در کشور نمی تواند از اجرای قانون تخلفی کند و لازم الاجرا بودن مصوبات مجلس را یاد آور شد.



احمد توکلی رئیس مرکز پژوهش های مجلس نیز در این رابطه گفت: ۲۱ سال از اصلاح قانون اساسی می گذرد و هیچ کس چنین برداشتی نداشته است. توکلی گفت البته ممکن است این بیان در مورد مجلسی که ضعیف است صادق نباشد، اما طبق قانون اساسی رئیس جمهور به هیچ وجه نمی تواند مجلس را منحل کند و طبق قانون اساسی، کشور هیچ گاه نمی تواند بدون مجلس باشد. وی افزود گرچه طبق اصل ۱۱۳، رئیس جمهور مجری قانون اساسی شناخته شده و فرد دوم است، اما طبق همین قانون نهاد مجلس فاتق بر رئیس جمهور است و دلیل آن هم این است که ادامه کار رئیس جمهور و وزیران منوط به رضایت نمایندگان مردم در مجلس است. مجلس می تواند تمام وزیران را باری به عدم کفایت و عدم اعتماد ولو آن که

رئیس جمهور مدافع آنها باشد عزل کند، درحالی که مجلس در برابر رئیس جمهور و وزیران پاسخگو نیست، اما طبق قانون اساسی وزیران و رئیس جمهور در برابر مردم، مجلس و رهبری مسئولند و یاد آور شد اگر مسئله ای شبیه ناک بود باید از شورای نگهبان تفسیر بخواهیم تا فهم مشترکی از قانون پیدا شود.

باید توجه داشت که در قانون اساسی سازوکارهای نظارت بر ارکان نظام تهیه شده است، به طوری که ارکان قدرت توسط ارکان دیگری که باری مردم تشکیل شده و در مقابل مردم نیز پاسخگو است، مورد نظارت قرار می گیرد. مهمترین ارکان نظارتی توسط مردم، مجلس شورای اسلامی است که افزون بر برای اعتماد به تک تک وزیران می تواند از آنان سؤال کرده یا آنان را استیضاح کند (اصل ۸۹) و حتی می تواند کفایت سیاسی رئیس جمهور را مورد بررسی قرار دهد. اجازه نظارت و تحقیق و تفحص از آن مجلس است (اصل ۷۶) و به همین دلیل در رأس قرار گرفته است. به یاد داریم که مجلس ششم در استفساریه ای که انجام داد نظارت بر ارکان های زیر نظر مقام رهبری مانند صدا و سیما و بنیاد مستضعفان امکان پذیر شد و همچنین نظارت مجلس بر عملکرد قوه قضاییه به تحقیق و تفحص از آن انجامید. افزون بر این نظارت بر نهادها و سازمان ها، مردم از طریق مجلس از امور جاری مربوط به وزارتخانه ها و نهادها مطلع شده و طبق اصل ۹۰ قانون اساسی شکایت از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه را می توان به مجلس شورای اسلامی عرضه داشت و مجلس موظف است به این شکایت ها رسیدگی کند.

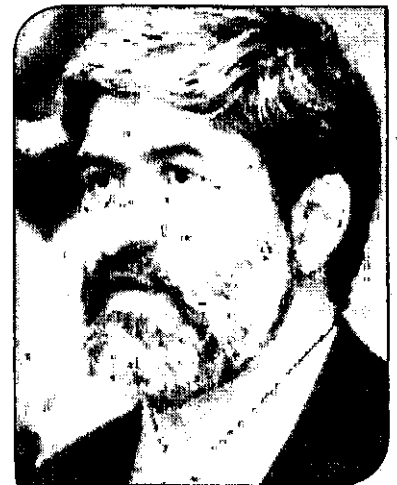
بعد نظارتی مجلس نیز دارای اعتبار جمعی و در چارچوب قانون اساسی بوده و بسیار بعید است که به دیکتاتوری و خودمحوری بینجامد. برخی از نمایندگان مراعات های مجلس در مورد عملکرد دولت را موجب آن می دانند که مجلس از رأس بودن اقتضاده است، اما به گمان این افراد این دلیل قانع کننده ای به نظر نمی رسد که رئیس دولت بتواند تفسیری مجزا ارائه دهد و برداشت خود را یک طرفه عملی کند و رئیس قوه مجریه نمی تواند حرف آخر را بزند و هرگونه چارچوبی را مانع اقدامات خود تلقی کند و تا آنجا پیش برود که حتی از مجلس

بخواهد لایحه ارائه شده دولت به مجلس را تغییر اصولی ندهند و یا صریحاً اعلام کند که حاضر به اجرای برخی از مصوبه های مجلس نیست و در این صورت ممکن است در اجرای مصوبه های مورد قبول هم، به نحو مورد نظر خود عمل کند. برخی از سیاستمداران این اظهار نظر را از آن جهت مهم دانستند که تعریض به جمله کلیدی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بود و تفسیر یا نقض این جمله به این معناست که وی چنین موقعیتی را برای خود قائل شده است. حبیب الله عسگر اولادی روی دیگر سکه را نشان داد و گفت مگر رئیس جمهور مجلس را در رأس امور قرار داده که بخواهد آن را تغییر دهد. بسیاری هم منتظر اعلام رسمی مجلس در این مورد بودند و این که شورای نگهبان در خصوص این تفسیر مغایر با قانون اساسی چه راهی را در پیش خواهد گرفت.



مجید انصاری از نمایندگان مجلس اول و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بی گوید امام در نگاه آسیب شناسانه ای که به تاریخ یکصدساله اخیر ایران داشتند معتقد بودند اگر مجالس از زمان مشروطیت به بعد نقش خود را به درستی ایفا می کردند و در جایگاه خود قرار می گرفتند هرگز استبداد رضاخانی شکل نمی گرفت. وی یاد آور شد که علاقه حضرت امام به مرحوم مبدع از زاویه توجه آکید امام به مجلس بوده است. مبدع در مجلس سعی داشت قدرت ملت را از طریق نمایندگان اعمال کند و این جلوی خود کامگی ها و دیکتاتوری ها را می گیرد. انصاری می گوید

در زمان حضورش در مجلس اول و مجلس سوم در ملاقات با امام خمینی وقتی طی نامه‌ای در مورد برخی از دستورانی که ایشان در دوران جنگ صادر کرده و به حسب ظاهر فراتر از قانون اساسی بود، سؤال کرده است امام با صراحت حق را به نمایندگان داده‌اند و این که آن اقدام‌ها صرفاً به خاطر ضرورت‌های جنگ بوده و مصمم بودند همه در چارچوب قانون عمل کنند. انصاری می‌افزاید رئیس جمهور اگر صد در صد آرای مردم را هم بگیرد، این فرد شأنی جز اجرای مصوبه‌های مجلس ندارد. مجید انصاری از این که تمایل به قدرت موجب شود اندیشه بازگشت به نظام غیر مردم‌سالاری شکل بگیرد احساس نگرانی کرده و می‌افزاید این سخنان خلاف قانون است و در حالی بیان می‌شود که رئیس جمهور قسم خورده حافظ قانون اساسی باشد.



علی مطهری، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در واکنش به سخنان رئیس دولت با بیان اختیارات مجلس از طریق مطرح کردن پرسش از رئیس جمهور، استیضاح و تصویب عدم کفایت سیاسی وی یادآور شد اختیار عزل رئیس جمهور در دست مجلس است، بنابراین مجلس دست بالا را دارد مگر این که نظر رئیس جمهور از بیان این سخنان این باشد که مجلس کنونی در رأس امور نیست چرا که به وظایف نظارتی‌اش درست عمل نکرده و از ابزارهای قانونی برای نظارت در امور اجرایی و جلوگیری از تخلفات استفاده نکرده و در بسیاری از زمان‌ها که باید از رئیس جمهور

می‌برسیده، این کار را نکرده است، مطهری در ادامه گفت اما این که به طور کلی بگوییم مجلس در رأس امور نیست، این حرف درست نیست. وی در بیان ضرورت این حرف افزود که قدرت فسادآور است و میل به تکراری و استبداد و دیکتاتوری به وجود می‌آورد، باید نهادی به‌نام مجلس در مقابل دولت قرار بگیرد تا قدرت را مهار کند و میل به استبداد در دولت رشد نکند. مطهری گفت مجلس هشتم مجلس نجیبی است و افزود نجات هم حدی دارد و با اشاره به قانون تسهیلات ارزی برای مترویی تهران گفت نمی‌شود مجلس در مقابل قانونگریزی سکوت کند چرا که این اقدام خیانت به حقوق مردم است.

احمد توکلی نماینده مجلس، ضمن یادداشتی با اشاره به اختیارات مجلس در مورد رأی به عدم کفایت رئیس جمهور و عزل وی، آورده که عکس این قضیه یعنی حذف مجلس برای قوه مجریه یا رئیس جمهور امکان‌پذیر نیست. همچنین مجلس اختیار استیضاح وزیران بدون رضایت رئیس جمهور را دارد. نکته دیگر که امام بر در رأس بودن مجلس تأکید داشتند بحث استبداد است و آن قوه‌ای که ظن استبداد از سوی آن می‌رود قوه مجریه است نه مجلس که به خاطر تکثر، امکان استبداد ندارد. توکلی این‌گونه سخنان را ابداعی و بدون سابقه دانست و یادآور شد که تکرار این مواضع سبب می‌شود مسئولان از مسائل اصلی کشور که حفظ مصالح و منافع مردم است غفلت کنند و این برای نظام خطرناک است.

لاریجانی در نطق خود در این باره که در جلسه علنی پس از تعطیلات مجلس ایراد کرد مجدداً به بحث‌های حاشیه‌ای اشاره کرد که با منافع ملی در تضاد است و یادآور شد همان‌گونه که رهبر انقلاب متذکر شدند امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند وحدت کلمه هستیم تا به مسائل اصلی جامعه، یعنی بهبود وضع اقتصادی، پایین آوردن تورم و رسیدگی به مشکل اشتغال، بالا بردن تولید، بهره‌وری و اصلاح ساختار اقتصادی بپردازیم. رئیس مجلس گفت در بحث جایگاه مجلس و در رأس امور بودن آن تردیدی وجود ندارد که لازم باشد آن را ثابت کنیم. همچنین ۱۷۰ نماینده مجلس به رئیس جمهور تذکر دادند و به وی یادآور شدند که به جای

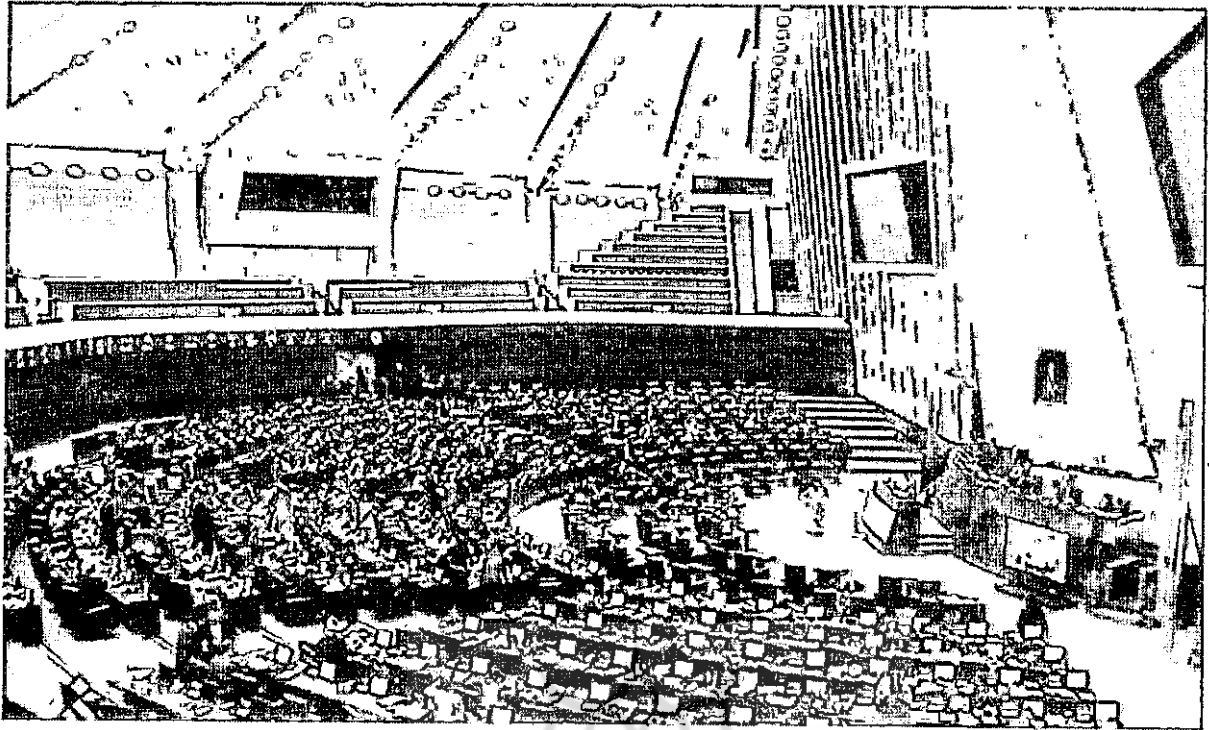
دخالت در امور قوای دیگر به وظایف خود عمل کند. تذکر نمایندگان به رئیس دولت این بود که چرا در آستانه سفر به نیویورک برخلاف نص بیانات امام (ره) و مقام رهبری و برخلاف قانون اساسی، جایگاه مجلس را مورد خدشه قرار داده است.

برخی از نمایندگان مجلس نیز به اظهار نظر در این باره پرداختند و از مجلس به‌عنوان نهاد مرجع یاد کردند به این ترتیب و با توجه به اصول قانون اساسی، مشاهده می‌کنیم که کفه اختیارات مجلس بسیار سنگین‌تر از کفه اختیارات قوه مجریه است به نحوی که نه تنها قوه مجریه حق نظارت یا استیضاح و یا عزل نمایندگان مجلس را ندارد، بلکه اصولاً هیچ

علی مطهری: قدرت فسادآور است و میل به تکراری و استبداد و دیکتاتوری به وجود می‌آورد، باید نهادی به‌نام مجلس در مقابل دولت قرار بگیرد تا قدرت را مهار کند و میل به استبداد در دولت رشد نکند

مقامی حق انحلال پارلمان یا عزل نماینده مجلس را نخواهد داشت. از سوی دیگر در رابطه با قوه قضاییه هم، افزون بر تصویب قوانین مورد نیاز قوه قضاییه، در مورد اختیارات محاکم و حدود اختیارات مراجع مختلف قضایی در چارچوب قانون اساسی، یا تصویب مجلس تعیین می‌شود و اعتبار مالی قوه قضاییه نیز توسط مجلس قطع می‌گردد. همچنین مقام رهبری در ۱۴ بهمن ماه ۱۳۷۶ و پیام به مجلس هفتم در ۶ خرداد ۱۳۸۳ بر این جمله که مجلس در رأس امور است تأکید کرده‌اند.

حال به اهمیت این عبارت تاریخی امام (ره) پی می‌بریم که چرا مجلس در رأس امور است، زیرا این مردم هستند که به امور کشور نظارت دارند و این جمله را در برابر کسانی که خواستار حذف جمهوریت نظام و طرح حکومت



رئیس جمهور مسئول اداره کشور نبوده و نخست وزیر مسئولیت را به عهده داشته است که از طریق مجلس انتخاب می شده، آن زمان مجلس بالاترین بود است، اما اکنون با مداخله اداره کشور پر دوش قوه مجریه است. سخن این است که پس از بازنگری نیز، مجلس جایگاه خود را حفظ کرده و تنها تغییر

مدرس در مجلس سعی داشت قدرت ملت را از طریق نمایندگان اعمال کند و این جلوی خود کامگی ها و دیکتاتوری ها را می گیرد

سخنگوی شورای نگهبان: در مورد واکنش شورای نگهبان به استمرار عدم ابلاغ مصوبات مجلس توسط دولت یادآور شد که این موضوع در اختیار شورای نگهبان نیست و باید به دنبال راهکاری در این زمینه باشیم

اسلامی بودند، گوشزد کردند که این مردم هستند که باید سرنوشت سیاسی خود را رقم بزنند. قابل ذکر است که برخی از اظهار نظر ها هم قوا را تکمیل کننده یکدیگر دانستند، در حالی که رئیس جمهور مسئولیت اجرایی مملکت را بر عهده دارد، اما جز این نیست که همه اختیارات اقدامات اجرایی رئیس جمهور مبتنی بر قانون است و جایگاه تصویب قوانین جز مجلس، قوه دیگری نیست و پارلمان در مقام وضع قانون و نظارت بر دیگر نهاد های حاکم اولویت و برتری دارد. حقوقدانان این سخن را مستند به اصل ۵۶ قانون اساسی می دانند که می گوید حاکمیت پس از خداوند از آن مردم است. قوه مجریه و پارلمان، منتخب مردمند، اما از آنجا که قوه مجریه ممکن است به سوی اقتدار گرایی و خود کامگی حرکت کند، قانونگذار مجلس را در مقام ناظر بر امور کشور قرار داده است. اظهار نظر دیگری قوه مقننه را در مقام قوه برنامه ریزی قرار داده است. دلیل آن هم این است که امام در مورد هیچ ارگان دیگری نگفتند که در رأس امور است، اما آن گونه که از سخنان رئیس جمهور بر می آید که ایشان سخن امام را مربوط به پیش از اصلاح قانون اساسی می دانند و زمانی که نظام مساپارلمانی بوده،

در نخست وزیر بوده و در ارکان قوا تغییری رخ نداده است. یک عضو کمیسیون فرهنگی منشأ سخنان رئیس جمهور را نوعی کشمکش و نزاع و برتری بینی از سوی یک قوه می داند که با روح قانون اساسی در تعارض است.

دیر فراکسیون اقلیت نیز ضمن پر شمردن استقلال قوا در عین هم عرض بودن هم، معتقد است مجلس نهاد منحصر به فرد قانون گذاری است و شورای نگهبان هم بخشی از نهاد مقننه کشور است. وی به وظیفه خطیری که به عهده مجلس است اشاره می کند که آن وظیفه نظارتی بر حسن اجرای قوانین است. این نظارت از طریق کمیسیون ها، دیوان محاسبات و کمیسیون اصل نود اعمال می شود. از سوی مشروعیت کابینه در گرو رأی نمایندگان است و تصویب برنامه ها، تصویب بودجه و تصویب قوانین از مسئولیت های قوه مقننه است، هیچ قوه ای به اندازه مجلس اختیار ندارد چرا که مجلس برخاسته از آرای ملت است، بنابراین با اختیاراتی که قانون اساسی به مجلس داده آن را در رأس امور قرار می دهد. سخنگوی شورای نگهبان در نشست خبری خود در این باره گفت این که بگوئیم کدام یک از قوا در رأس هستند مشکلی را حل نمی کند، اگر همه

در چهار چوب اختیارات عمل کنند همه قواد
رأس امور هستند. وی افزود فرض بر این است
که همه قوا با همکاری یکدیگر باید در جهت
رشد و توسعه کشور حرکت کنند. وی در مورد
واکنش شورای نگهبان به استمرار عدم ابلاغ
مصوبات مجلس توسط دولت یاد آور شد که
این موضوع در اختیار شورای نگهبان نیست
و باید به دنبال راهکاری در این زمینه باشیم. اما
این که سخن رئیس جمهور چه اثری در اعتبار
نظرات شورای نگهبان می گذارد پرسش
دیگری بود که سخنگو پاسخ آن را چنین داده
است که شورای نگهبان هر مصوبه ای را دریافت
کند اعلام نظر می کند و هیچ کس نمی تواند نظر
آن را تحت تأثیر قرار دهد.

در اینجا به ذکر خاطره ای از مجموعه
خاطرات هاشمی رفسنجانی در زمانی که ریاست
مجلس را به عهده داشته است می پردازیم که
مربوط به سال ۱۳۶۴ است و آن به اختلاف بین
رئیس جمهور و نخست وزیر مربوط می شود که
رئیس جمهور مایل به معرفی نخست وزیر برای
بار دوم نبوده و اختلاف شدیدی از این جهت در
مجلس بوده است. امام خمینی در پاسخ به نامه
۱۳۵ نماینده مجلس در حمایت از نخست وزیر
وقت میر حسین موسوی در ۲۹ مهر ۱۳۶۴ نوشتند
که نظرشان بر ابقای آقای موسوی است و
دولت وی را در شرایط پیچیده کشور، موفق
ارزیابی کردند و تغییر آن را به صلاح ندانستند
و در پایان پاسخ خود یاد آور شده اند که حق
انتخاب با جناب آقای رئیس جمهور و مجلس
شورای اسلامی محترم است. امام ضمن ابراز نظر
خود، به نظر نمایندگان مخالف نیز که به گروه
۹۹ نفره معروف شدند، احترام گذاشته و بدون
آن که بر نمایندگان حکم کنند، بر حق مجلس
و آزادی رأی نمایندگان تصریح کردند. داستان
رأی به کابینه در آن برهه در خاطرات هاشمی
رفسنجانی خواندنی است که بالاخره با ۱۶۲
رأی موافق و ۷۳ مخالف و ۲۶ ممتنع، به نتیجه
رسید و به گفته ایشان وسیله ای برای بدنام شدن و
ضد ولایت فقیه معرفی شدن جریان محافظه کار
شد و بعضی این را از اشتباهات بزرگ سیاسی
آنها می دانند. هر چند که خود این افسر ادیب
را از وظیفه شناسی نمایندگی می دانستند
به طوری که خود امام هم راضی نیستند که
نماینده ای بر خلاف نظرش رأی بدهد. جالب

عباسعلی نورا: موضع نظارت بر وجوه اداره شده توسط دیوان محاسبات موضوع مهمی است که نباید از کنار آن به سادگی گذشت، چرا که میلیاردها وجوه اداره شده در کشور داریم که در صورت تصویب نهایی حذف نظارت دیوان محاسبات این مبالغ کلان از دسترس نظارت مجلس و بازوی نظارتی آن یعنی دیوان محاسبات خارج شده و دیگر نخواهیم دانست سرنوشت این مبالغ چه می شود

است که امام خمینی نیز در ملاقات با نمایندگان
و ملت سفارش کردند که مجلس را تأیید کنند و
مجلس از ارگان هایی است که بر همه لازم است
که او را تأیید کنند و هیچ کس حق ندارد درباره
مجلس جسارتی کند، زیرا مجلس حقیقتاً است
که موافق و مخالف داشته باشد.

نه تنها اصلاح طلبان و نه تنها هیچ یک از
فراکسیون های اصولگرایا نمایندگان عضو آن
با سخنان احمدی نژاد موافق نبودند، که حتی
حداقل حمایت آشکار و علنی هم از سوی
نمایندگان حامی دولت صورت نگرفت
و می توان گفت سخنان وی هیچ موافقی
نداشت. البته این برخورد دور از ذهن نبود و
به سابقه برخورد نمایندگان به سخنان مشایی
برمی گردد. پس از سخنان مشایی رئیس دفتر
دکتر احمدی نژاد و طرح مکتب ایرانی از سوی
او، نمایندگان حامی دولت نامه ای را طرح ریزی
کردند و به امضای بیش از ۱۰۰ نفر از نمایندگان
نیز رسید. خطاب نامه محمود احمدی نژاد بود
که از او خواسته شده بود به رئیس دفترش تذکر
بدهد. گفته شد زارعی، رسایی، کوچک زاده و
حسینیان از اعضای فراکسیون انقلاب اسلامی،
از امضا کنندگان اولیه این نامه بوده اند. در این
نامه تذکر داده شده که دولتمردان از سخنان
مضر پرهیز کرده و از ایجاد اختلاف بین
نیروهای ارزشی و انقلابی جلوگیری شود.
گرچه این سخنان از سوی مشایی مطرح شده
بود، ولی حمایت رئیس او و این که مواضع

مشایی را مواضع دولت توصیف کرده و صراحتاً
گفته بود من هم گفتیم مکتب ایران، نمایندگان
را واداشت انگشت اتهام را از رئیس دفتر
احمدی نژاد به خود وی نشانه برونند و بنابراین
طیف وسیعی از حامیان دولت نیز واکنش نشان
دهند. تهیه این نامه پس از ملاقات حضوری
۲۰ نفر از اصولگرایان مجلس با احمدی نژاد
صورت گرفت و گفت و گوی شفافه ای آنان با او
در این خصوص نتیجه ای نداد و مشایی دوباره به
اظهار نظرهای حساسیت برانگیز پرداخت. پیش
از این هم مشایی با حضور در کمیسیون فرهنگی
مجلس از اعتراض نمایندگان مطلع شده بود، اما
همچنان به اظهار نظرهای واکنش برانگیز خود
ادامه داد و گویا آن جلسه هم نتیجه ای نداشت،
این بود که نمایندگان اصولگرا و حامی دولت
را واداشت تا طی نامه ای به احمدی نژاد انتقاد
کنند. طیف دیگری از نمایندگان هم برای طرح
پرسش از احمدی نژاد تلاش می کردند، که البته
با حدود ۳۰ امضا متوقف شد. به علاوه ۱۶ نفر از
روحانیون مجلس و کواکب نماینده سمنان طی
تذکره کتبی به دکتر احمدی نژاد خواستار تذکر
جدی وی به رئیس دفترش شدند تا ضمن پرهیز
از طرح مسائل هنجارشکن، از مواضع قبلی اش
اعلام پراشت کنند. مصباحی مقدم با بیان این که
دفاع احمدی نژاد در این مورد، مسئله مشایی را به
مسئله دولت تبدیل می کند و اصلاً صلاح نیست
او حرف های مشایی را تأیید کند از احمدی نژاد
خواستار است به وی تذکر دهد که پایش را از گلیمش
دراز تر نکند. بدین گونه می بینیم با سخنان
احمدی نژاد و واکنش نمایندگان رابطه مجلس
و دولت به تیرگی می رود. شاید این نامه ها زنگ
خطری برای رئیس دولت به شمار نیاید و به قول
برخی از نمایندگان از سر آن باشد که به اصل
فعالیت دولت لطمه نخورد، اما وقتی اظهارات
رئیس دولت تا جایی پیش می رود که آیت الله
جتی هم از او انتقاد می کند، وقتی احمدی نژاد
اعلام می کند که دولت تنها کار خودش را
می کند و مدعی می شود قوانین مجلس با شرع
و قانون اساسی سازگار نیست، چنانچه احمد
توکل می گوید اگر دولت به این رویه ادامه
دهد و همچنان از مجلس تمکین نکند، مجلس
از قدرتش برای ملزم کردن آن استفاده خواهد
کرد، زیرا وی معتقد است نباید مسئولان با بیان
سخناتی که ابداعی است و سابقه ای ندارد از

مسائل اصلی کشور و وظایف خود دور شوند.
خود کرده را تدبیر نیست!

به یاد داریم که چند ماه پیش طین اعتراض از بهارستان بلند شد که آی مردم می خواهند مجلس در رأس راه از رأس به ذیل آورند. فریاد و فغان نمایندگان به نامه ای منجر شد که ۱۷۰ امضا پسای آن بود و به رئیس دولت تذکر می داد که به جای طرح مسائلی از این دست به حل مسائل اصلی اقتصادی مانند بیکاری، فقر و... بپردازد، اما همین حق نظارتی که نمایندگان به حسب وظایف نمایندگی بر آن تأکید داشته و از اختیارات مجلس در رأس محسوب می کردند، به علتی نامعلوم کم رنگ شده است. داستان از این قرار است که با توجه به اصل ۵۵ قانون اساسی، دیوان محاسبات به عنوان اصلی ترین نهاد نظارتی مالی کشور بوده و تمامی حساب های وزارتخانه ها و دستگاه هایی که از بودجه دولتی استفاده می کنند را حسابرسی می کند، به طوری که هر وجهی در محل مورد نظر قانونگذار مصرف شده باشد، دیوان محاسبات گزارش حسابرسی، بررسی و تحلیل مالی آن را به عنوان گزارش تفریح بودجه به مجلس تقدیم می کند، این گزارش در صحن علنی قرائت شده و در دسترس عموم قرار می گیرد. دیوان محاسبات مهم ترین نهاد نظارتی نمایندگان بر شیوه دخل و خرج کشور است، اما شنیده ها از نمایندگان این است که در جریان رسیدگی به لایحه پنجم توسعه، مجلس از این اختیار خود عقب نشینی کرده، به گونه ای که بین دولت و کمیسیون تلفیق توافق شده است که به جای دیوان محاسبات، مجموعه نظارتی جدیدی به نام معاونت نظارت مجلس و دولت شکل بگیرد و اعضای آن از سوی دولت و مجلس، هر دو باشند. این در حالی است که اعضای کمیسیون تلفیق در این باره هیچ توضیحی را جهت روشن شدن افکار عمومی ارائه ندادند. واضح است که با کم رنگ شدن نظارت مجلس، دولت از زیر بار نظارت دیوان محاسبات رهایی یافته و می تواند در هزینه کردن اعتبارات مصوب، به دلخواه یا تشخیص خود عمل کند. سوی دیگر جریان این است که باین وصف نهادهایی که

در طول ۳۰ سال از عمر جمهوری اسلامی، قوام یافته بودند یکی پس از دیگری واگذار شده و از جایگاه واقعی خود دور شده اند.

عباسعلی نورا عضو کمیسیون تلفیق گفت که نیاید نقش دیوان محاسبات در نظارت بر امور مالی کم رنگ شود. وی گفت اعتراض به تضعیف دیوان محاسبات، اعتراض به خدشه دار کردن جایگاه مجلس است. وی با اشاره به بدل و بخشش های بی حساب و کتاب از اموال عمومی یاد آور شد، موضع نظارت بر وجوه اداره شده توسط دیوان محاسبات موضوع مهمی است که نباید از کنار آن به سادگی گذشت، چرا که میلیارد ها وجوه اداره شده در کشور داریم که در صورت تصویب نهایی حذف نظارت دیوان محاسبات این مبالغ کلان از دسترس نظارت مجلس و بازوی نظارتی آن یعنی دیوان محاسبات خارج شده و دیگر نخواهیم دانست سر نوشت این مبالغ چه می شود. بدین گونه اختیاراتی که مجلس به موجب آن در رأس قرار گرفته بود، با توافق خود آنان کم رنگ و تضعیف شده است چرا که در رأس قرار گرفتن، منوط به داشتن اختیارات انجام وظایفی است که به موجب آن اختیارات به عهده نمایندگان گذاشته شده است و اکنون به معاونتی سپرده شده که تصویر مشخصی از آن در دست نیست.

قوانین مادر و گفتنمان مسلط

حداد عادل نماینده مجلس، در همایش ملی مدیریت راهبردی به مسائلی اشاره کرد که دارای اهمیت است:

- وی درباره اختلاف نظر دولت و مجلس در مورد لوایح و طرح های کلان گفت چقدر ما شنیده ایم که دولت و مجلس در مقابل هم قرار گرفته اند و ارتباطشان به یک مویی رسیده و ضعیف بوده، ولی بزرگان، مصلحت اندیشی کرده اند و این اختلاف ترمیم شده است.

- حداد عادل گفت اگر این مسئله را به کشمکش های سیاسی تقسیم بندی کنیم، مسئله را ناقص دیده ایم و ریشه دار تر از این است که تنها به خوبی و بدی افراد ربط داشته باشد.

- وی یاد آور شد مشکل این است که تا

زمانی که دولت و مجلس در کلیت همسو نشوند و هماهنگی وجود نداشته باشد این داستان ادامه خواهد داشت، دولت یک ساز می زند و مجلس سازی دیگر.

وی گفت که تخصصی به نام مدیریت راهبردی می تواند قانون اساسی، چشم انداز و سیاست های کلی را ترجمه اجرایی کند و در حال حاضر چنین تخصصی در نظام نادر است و این تخصص بر کارهایی که می کنیم حاکمیت ندارد. نتیجه آن می شود که چشم انداز نوشته می شود، به صورت محترم کنار گذاشته می شود. سیاست های کلی، قانون برنامه، قانون بودجه هم همین طور، آنها دانه های تسبیح هستند ولی نخ تسبیحی از بین آنها رد نشده است.

حداد عادل در تفاوت بین قانون برنامه و قانون معمولی گفت برنامه پنجمی که دولت داده، بخشی از آن در حد قانون معمولی است و شأنیت درج در قانون برنامه را ندارد. وی گفت قانون برنامه مربوط به امور زیرساختی است. تفاوت قانون برنامه با قوانین عادی در این است که برای زیرساخت های برای یک دوره ۵ ساله مصوبه از مجلس می گیرد و ملاک این است که چه کاری زیرساختی است و چه کاری جزئی.

این نماینده افزود بعضاً هر وزارتخانه ای فکر می کند اگر یک چیزی خوب است باید در برنامه پنج ساله بگنجد تا مجلس آن را تصویب کند و به شوخی گفت این دیگر برنامه نیست، برنامه است.

وی در پایان گفت مدیران ارشد در یک دوره آموزشی قوانین مادر شرکت کنند تا این قوانین به عنوان گفتنمان مسلط مطرح شود.

بنابراین ریشه اختلاف دولت و مجلس از نگاه حداد عادل در این است که گفتنمان مسلط در چهارچوب قوانین مادر مانند سیاست های کلی چشم انداز و قانون برنامه و... نیست، به همین دلیل است که به قول وی مجلس در دستگاه ابوعطامی زند و دولت در ماهور. همچنین در این همایس مشاور مقام رهبری، علی اکبر ولایتی نیز سخنرانی کرده و با توجه به ویژگی های کشور ایران گفت کشور رانمی شود با روزمرگی اداره کرد و نگاه ما باید بلندمدت باشد.